

مریم قربانی فر: حسین شاه‌حسینی، متولد۱۳۰۶ در محله سرچشمه تهران است. وی از اعضای موسس تشکیلات سربازان نهضت‌ملی و شاخه جوانان آن محسوب می‌شود. نخستین فعالیت او در کنار پدرش و در جلسات شیخ‌زین‌العابدین شاه‌حسینی صورت می‌گیرد و همراهی پدر باعث آشنایی او با سیاست می‌شود. این فعالیت‌ها مصادف می‌شود با تشکیل «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات»، توسط دکتر مصدق و نمایندگان مانند حسین مکی، حاتری‌زاده و بقایی در مجلس پانزدهم، بعد از آن، عمده فعالیت او به‌عنوان سمپات حزب زحمتکشان در حمایت از ملیون می‌گذرد و با تشکیل جبهه ملی ادامه تلاش‌های شاه‌حسینی در این سازمان صرف می‌شود. وی در دولت موقت، معاون رئیس‌جمهور و رئیس کمیته ملی المپیک بود که این سمت را تا دولت شهید رجایی نیز حفظ می‌کند. سالروز کودتای ۲۸مرداد بهانه‌ای شده که در یکی از کوچه‌پس‌کوچه‌های خیابان شریعتی به دین‌او برویم و در خانه وی بازگردیم به سال‌های دهه‌های ۳۰ و ۴۰. این‌بار از او خواستیم نه از کودتا و شرایط آن و نه از ۲۸مرداد که: از جامعه آن‌روز باز برآیم بگوید: از روزهای پیش از کودتا تا احوال مصدق پس از کودتا.

۲۸ مرداد، کودتایی علیه تفکر ملی‌گرایانه بود
یک نام شنیده می‌شود و مدام تکرار می‌شود؛ «کاشانی» وضعیت جامعه روحانیت آن‌روز را چ‌گونه بود و سایر روحانیون در این ماجرا چه سهمی داشتند؟

ببینید روحانیت بعد از شهریور ۱۳۲۰ وضعیت عجیب و پیچیده‌ای را تجربه می‌کرد شاید برای درک موقعیت جامعه روحانیت باید شرایط آن دوران را نیز توصیف کنیم. نتیجه اتفاقات شهریور ۱۳۲۰ ضعیف‌شدن جامعه روحانیت در ایران بود. ممنوعیت‌های بسیار زیاد و شدید که برای روحانیت در آن سال‌ها وجود داشت، غیرقابل تصور بود، حتی در این حد که نمی‌توانستند در مراسم روضه یا در مراسم ختم شرکت کنند.

۲۸ از اتفاقات بعد از دوران رضاخان نیز وجود داشت؟

تا شهریور ۱۳۲۰ واقعا شرایط بدی بود. سر کوب جامعه روحانیت وجود داشت و این فضا تا قبل از سال ۱۳۲۱ نیز تغییر نکرد. از سویی تعدادی از بخش‌های روحانیت با رضاخان همکاری کرده بودند و این خود بیشتر باعث تضعیف جایگاه روحانیت شده بود، قدرت در دست همان بخش از روحانیتی بود که همسوا با قدرت بود و شاید حتی به ظاهر عوض شده بود اما پسر که به جای پدر آمده بود همان رویه را داشت، فقط ضعیف‌تر و کم‌قدرت‌تر از پدر و گزرنه از نظر تفکر نفاوتی وجود نداشت. دست‌هایی مثل صدراالشراف بودند که هم با رضاشاه و هم محمدرضاشاه همکاری می‌کردند دست‌هایی بودند مانند مدرس که همکاری نکردند و مخالفت هم می‌کردند، این دسته بیشتر مطرود و منکوب یا حتی کشته شدند. روحانیت در جامعه نفوذ داشت و نمونه این نفوذ در دوران قاجاربه بوده است که حتی پادشاه از روحانیت، مشروعیّت می‌گرفت و رضاشاه با علم به این ماجرا سعی در منکوب‌کردن روحانیت داشت. مثلا ایجاد دانشگاه‌های معقول و منقول.

ببینید قبل از کودتای ۲۸مرداد مبارزاتی بود به‌عنوان مجالس چهاردهم و پانزدهم که بخشی از روحانیت با اقوام و حزب وی همکاری می‌کردند که اگر این همکاری نبود شاید وضعیت آیت‌الله کاشانی بسیار بدتر هم می‌شد چرا که کاشانی بود که در برابر این حضور و همراهی روحانیت با‌قوام ایستاد و خود این روحانیون نیز چندان بی‌قدرت و بدون همراهی مردم نبودند.

۲۸ برگردیم به کودتای ۲۸مرداد، ببینید یک‌سال قبل از کودتا، مردم که می‌کردند ۱۳۳۱ به خیابان می‌آیند و حتی کشته می‌دهند. در این حالت که مردم به خیابان آمده بودند شرایط مبارزه در آن زمان به چه شکلی بوده است؟

جامعه ما همواره به‌عنوان جامعه مذهبی مبارزه می‌کرد و حتی مدرن‌شدن جامعه نیز نتوانست در این روند تغییر ایجاد کند. حتی رضاشاه به همه توالی که برای مدرنیزه‌کردن حداقل ساختارهای زیربنایی کشور انجام می‌داد از این رویکرد گریزی نداشت، رضاشاه زمانی که به سفر ترکیه رفت و آتاتورک رویه او را دید، سعی کرد نمونه آن را پیاده کند اما حقیقت این است که ریشه‌های مذهبی قوی اجازه نمی‌داد در این روند تغییر ایجاد شود و حقیقت این است که اتفاقات روی‌داده در آن شرایط، جدا از نگاه مذهبی و بخشی از روحانیت مستقل نمی‌توانست باشد. از سویی طبقه تحصیل‌کرده و روشنفکر در آن زمان به چنین قدرتی نرسیده بود که بتواند بر توده‌های مردم اثر بگذارد. توده‌های ملت رویکرد مذهبی داشتند و به رهبران مذهبی بیشتر گرایش پیدا می‌کردند. ببینید در آن زمان تولیدکنندگان ما طبقه کشاورزان بودند که قدرتمندان برای اعمال نظرات

حسین شاه‌حسینی در گفت‌وگو با «شرق»:



خود به دنبال این بودند که این طبقه را استثمار کنند و در این‌جا رویکرد جامعه، رفتن به سمت مذهب و رهبران مذهبی بود.
۲۸ شما گفتید که روشنفکران در جامعه آن روز نقشی نداشتند اما می‌بینیم که مردم در این جامعه به‌دنبال مصدق حرکت می‌کنند؟
ببینید بخشی از آن، همان جامعه مذهبی است، اینکه آیت‌الله کاشانی حرفی را می‌زند که بخشی از طبقه روشنفکران هم می‌زد دلیل این بسیج عمومی بود و در حقیقت نفوذ او بود که توده را وارد این ماجرا کرد.

۲۸ یعنی شما تاثیر این حضور جامعه را در حضور آیت‌الله کاشانی می‌بینید؟

بله، بدون تردید، تاثیر و نقش اساسی‌ای داشت و نمی‌شود این نقش را ندیده گرفت. این که ملام دو گروه سعی می‌کنند در اتفاقات سال ۱۳۳۱ نقش مصدق یا کاشانی را پررنگ‌تر کنند ظلم به این دو است چون هر دو آنان موثر و مهم بودند. ببینید روشنفکران ما هنوز آن چنان در کنار هم متحد‌ظاهر نمی‌شوند اما توده‌های مذهبی متحد و کنارهم در عرصه حاضر می‌شدند و نتیجه این بود که تکیه این فشار بر روی این مردم بود. اما شما می‌بینید که در زمان کودتای ۲۸مرداد یا روزها و ماه‌های بعد از آن با این‌که فاصله زمانی زیادی با ۳۰تیر ۱۳۳۱ ندارد ما دیگر شاهد آن صوف منسجم نیستیم. این‌بار این فشار به‌گونه دیگری بود. دانشگاه تعطیل می‌شد یا بازار واکنش نشان می‌داد.

۲۸ قبل از کودتا دانشگاه یا بازار چه می‌کردند؟

آیا آنها هم حرکت خاصی انجام می‌دادند؟

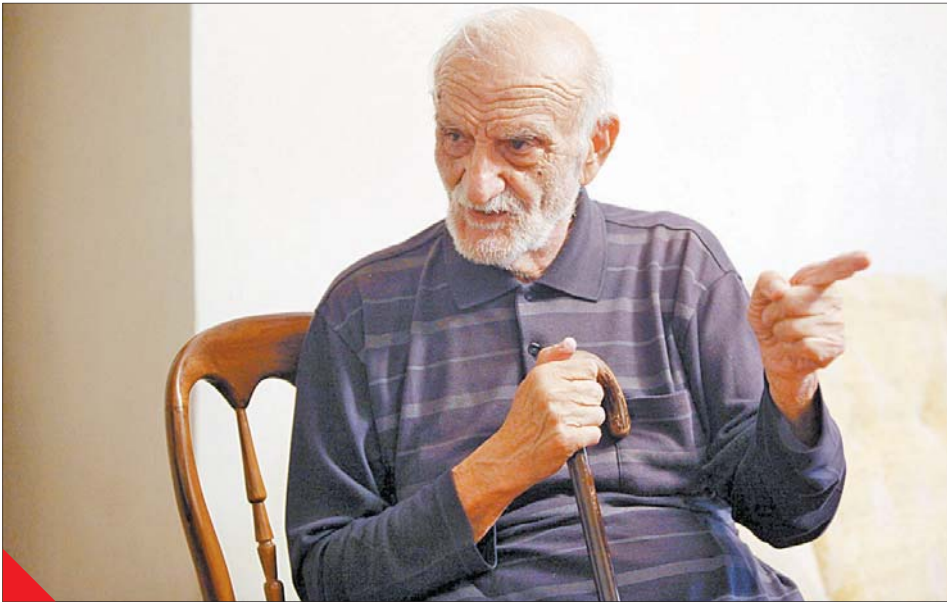
نه، حقیقت این است که بعد از کودتا، موثرترین حرکات از سوی دانشگاه دیده می‌شود. در زمان ملی‌شدن صنعت نفت این خواسته چنان خواسته ملی – میهنی‌ای بود که دیگر بحث دانشگاه و بازار مطرح نبود، همه جامعه به‌دنبال رسیدن به این خط بودند. از سویی اگر نگاهی به تاریخ بیننازید می‌بینیم که پیش از حوادث ۳۰تیر، تازه حزب زحمتکش‌ان تهران تشکیل شده بود مثلا بعد از اتفاقات شهریور ۱۳۲۰ تازه حزب ایران یا حزب مردم ایران تشکیل شده حتی خود احزاب هم قدرت چندانی ندارند که بتوانند تاثیرگذار باشند و همچنان همین جلسات سیاسی در مساجد برگزار می‌شود. مسجد مروی، مسجدشاه، مسجد حاج‌ابوالفتحی و… پایگاه‌های جلسات سیاسی هستند و همچنان خانواده روحانیت است که جلسات را اداره می‌کنند.

۲۸ به هر حال ۲۵ تا ۲۸ مرداد۱۳۳۲ کشور ملتپه است و جامعه در ناسامانی به‌سر می‌برد و بنا به گفته خود شما دانشگاه در ۱۶آذر و بعداز کودتا وارد این درگیری می‌شود، بازار هم که تحت‌نفوذ روحانیت است و تنها با آیت‌الله کاشانی مواجه هستیم. خوب این جامعه که سال قبل آنگونه وارد عمل شده چرا این‌بار وارد نمی‌شود؟

ببینید در آستانه کودتای ۲۸مرداد روحانیت دو پاره می‌شود. در این میان روحانیتی پیدا می‌شود مثل سیدابوالقاسم کاشانی که طرف دیگر می‌ایستد و حرفش هم بیشتر از سوی مردم شنیده می‌شود و روحانیت

سیاست

۲۸مرداد، کودتایی علیه تفکر ملی‌گرایانه بود



سیاسی محسوب می‌شود. ببینید بین این دو دسته از روحانیت ما یک مدل دیگر را هم می‌بینیم که با هیچ‌کدام از دو دسته سروکاری ندارد. جامعه علمیه تهران در این دسته است. من به صراحت اینجا می‌گویم که این جنبش به کاشانی احتیاج داشت، بدون کاشانی نمی‌شد این‌گونه توده‌های مردم را به صحنه آورد. دانشگاه ما در آن روز گزار چنین کششی نداشت که بتواند در جامعه تاثیرگذار و نفوذی داشته باشد.

۲۸ کاشانی که یک‌سال قبل کفن‌پوش به خیابان آمده و با این توصیفات شما هر چه در تواتش بوده، انجام داده است! نگاه از جنبش ملی‌شدن نفت راهش را جدا می‌کند. چه اختلاف عمیقی به وجود

می‌آید که بین مصدق و کاشانی چنین جدایی‌ای می‌افتد؟
شاید بتوان دلیل آن را توقعات دانست که به نظر مصدق نابجا بود. فقط آیت‌الله کاشانی نبود که این اتفاق در موردش می‌افتد اعضای دیگری مثل مکی، بقایی و مظفری‌زاده نیز از مصدق جدا می‌شوند. شرایط تغییر کرده و خواسته‌ها نیز تغییر کرده و مصدق گاه به‌شدت در مقابل درخواست‌های غیرقانونی می‌ایستد و خب همین افراد جداشده نیز سعی در تحریک آیت‌الله کاشانی دارند. من اکنون هم اعتقاد دارم که کاشانی خودش به‌وقت توقی نداشته، قبل از این اختلافات هم همین‌طور بود اما از یک‌جایی پای اطرافیان باز می‌شود و دولت هم در مقابل این توقعات می‌ایستد. من صراحتا تصور می‌کنم عوامل خارج و شاه از اتحاد مصدق و کاشانی ضرر می‌دیدند و در این تحریکات برای جدایی مصدق و کاشانی نقش داشتند. در مراسمی در درازشپب منزل آقای گرمای حقیقتا فکر می‌کنم این اختلافات تمام شده بود اما آقایان دوباره وارد شدند و دخالت‌هایی انجام دادند که منجر شد مشکلات تازه به وجود بیاید. مثل دخالت در انتصابات، مثالی می‌زنم در مورد تولید موقوفات قم که اختلافی به وجود آمد و آن این بود که این تولید از دست دربار خارج شود و اینجا مشکلی نبود اما وقتی گفته شد در اختیار دکترشروین قرار بگیرد، اختلاف به وجود آمد.

۲۸ وضعیت احزاب در آن زمان به چه شکلی بود؟
به مفهوم واقعی هیچگاه نتوانستیم حزب تأسیس کنیم، حتی حزب توده. در همان زمان ما حزب ایران را داریم که سال۱۳۳۲ تشکیل شده است و گروهی تحصیل‌کرده به‌ویژه از فرانسه به ایران بازمی‌گردند و این حزب را تأسیس می‌کنند. احزاب حقیقتا نه پایگاه اجتماعی داشتند و نه قدرت چندان. حزب دیگر، خدایپرستان سوسیالیست بودند که به نوعی منشعب از توده محسوب می‌شد. این گروه معتقد بودند هم سوسیالیست هستند و هم خدایپرست حقیقتا حزب موثری پیش از سال ۱۳۲۹ وجود نداشت. روزنامه بود یا جلسات سیاسی برگزار می‌شد به این شکل که مثلا فلان‌روز و فلان تاریخ، فلان آقا در مسجد مروی سخنرانی دارند و همان‌جا جمع می‌شدند و سخنرانی می‌کردند. غیر از این تنها حزب توده بود که یک روند و انسجامی داشت و غیر از آن نه حزب خدایپرستان سوسیالیست، نه حزب سوسیالیست‌ها متعلق به خلیل، نه حزب ایران یا بعدتر حزب

زحمتکش‌ان بقایی یا مجمع مسلمانان مبارز که با دکترشمس قنات‌آبادی همکاری می‌کرد، تاثیر و کارکردی نداشت.

۲۸ دکتر مصدق در همان برهه احساس نمی‌کرد لازم است که حزبی ایجاد کند و دارای پایگاه اجتماعی منسجمی باشد؟

دکترمصدق معتقد بود که حزب باید از پایین شکل بگیرد و به بالا برسد نه این که دستوری عمل شود. مصدق اعتقادی به حزبی که آنگونه تشکیل شود نداشت. مصدق بعدها در سال ۴۰ که در حصر آن نامه را برای دانشجویان ایرانی جبهه ملی مقیم آمریکا می‌نویسد نشان می‌دهد که به چگونه حزبی معتقد است. در همان نامه ایشان تأکید می‌کند عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی و اصناف و جوانان که سابقه خدمت و کار اجتماعی دارند شروع کنند برای رشد و بالارفتن نه اینکه حزب از بالا تشکیل شود. نه این مدل که حالا تعدادی دور هم جمع شده‌اند و اساسنامه و تشکیلاتی درست می‌کنند و از بقیه می‌خواهند بیایند با اساسنامه و تشکیلات آنان کار کنند. دکترمصدق به نوعی تصور داشت که ایرانی‌ها به صورت جبهه‌ای می‌توانند کار کنند نه در قالب حزب.

۲۸ جبهه ملی اول هیچ‌گاه کارکرد حزبی پیدا کرد؟

اساسنامه‌ای قرار بود نوشته شود که دکترقاطمی و دکترمکی مسوول نوشتن آن شدند اما فرصتی پیدا نشد و روند سرعت اتفاقات به‌گونه‌ای بود که در آن ۲۸ماه چنان با مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها مواجه بود که اصلا فرصتی دست نداد. ببینید در انتخابات بیستم قرار شد جبهه ملی شرکت کند این اولین انتخابات بعد از کودتا بود که جبهه ملی قرار شد در آن حاضر شود و خواستند برای نامزدهای انتخاباتی تصمیم بگیرند. گفتند که وزرای دکترمصدق باشند، نمایندگان مجلس دوران دکترمصدق هم حضور داشته باشند. بحث در گرفت در مورد نامزدهای تهران که باید ۱۲ نفر باشند و من نظرم این بود که ایراهیم کریم‌آبادی مدیر روزنامه اصناف حضورش در فهرست ضرورت دارد، چراکه ایشان شاید از حزب نیست اما پدر وی رئیس اتحادیه صف قهوه‌داران تهران است و در تهران دوهزار و ۵۰۰قهوه‌خانه دایر است و ایراهیم کریم‌آبادی به دلیل حضور پدر و از سویی تحصیل‌کرده حقوق بودن و نزدیکی‌ای که به جبهه ملی دارد، خودش تعداد بالایی رای کلاسه دارد. یعنی می‌خواهم تأکید کنم که حتی حزب یا جبهه‌ها نیز همچنان وابسته به اصناف مهم جامعه است و بدون آنان نمی‌توانست هیچ تاثیری داشته باشد.

۲۸ اولین انتخاباتی که پس از کودتا در آن جبهه ملی رای داد و حاضر شد، کدام مجلس بود؟

مجلس هجدهم بود. یعنی دو مجلس بعد از کودتا و مجلس بیستم که در زمان امینی بر گزار شد، فهرست داشتیم و فهرست ارایه دادیم.

۲۸ فکرمی کنید راهی بود که کودتا اتفاق نیفتد یا از آن جلوگیری شود؟ آیا دکترمصدق راهی داشت برای اینکه اوضاع را کنترل کند؟

نه اصلا. چون تصمیم قطعی علیه دکترمصدق گرفته شده بود و از سویی انسجام در این سمت وجود نداشت و از سویی نیروهای مذهبی نسبت به دکترمصدق خوش‌بینی را از دست داده بودند و با خیانت حزب توده از ۲۵ تا ۲۸ مرداد، عملا دیگر کودتا برگشت‌ناپذیر شده بود. حتی وقتی بخش اول کودتا روز ۲۵مهر تا حدی خنثی شد اما با عدم خروج کار دار آمریکا و ادامه‌مدان تلاش برای کودتا، دیگر امکان بازگشت وجود نداشت. کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ و اتفاقات ۳۰تیر۱۳۳۱ دو روی یک سکه بودند. کودتای ۲۸مرداد علیه اندیشه‌های مصدق بوده که این تفکر ملی‌خواهی و ملی‌گرایانه بمیرد و اتفاق زمانی خطر بیشتر شد که دکترمصدق وارد سیاست داخلی شد. ببینید این بخش مغفول‌مانده ماجراست که دیده نشده است. این که مصدق در حال اصلاحات داخلی بود که ناگهان زیر فشار قرار گرفت. اینکه بسیاری از آنان که می‌خواستند مصدق برود با اصلاحات داخلی دکترمصدق در سیاست داخلی مشکل داشتند. من متاسفم که تلاش ملت ایران و راهی که می‌توانست به روند خوبی هم در سیاست خارجی و هم در سیاست داخلی منجر شود اینگونه عقیم باقی ماند.

ادامه از صفحه ۸

۱۰ مهره اصلی کودتا

نعمت‌الله نصیری: نصیری فرماندهی اجرایی عملیات کودتا را برعهده داشت. او بود که دستورات مکتوب را که محمدرضاشاه امضا کرده بود، از کلاردشت به تهران آورد و پس از آنکه «هیراده» رئیس دفتر مخصوص متن دو فرمان را که یکی انتصاب سرلشکر زاهدی به نخست‌وزیری بود به وی تحویل داد. نصیری از اولین افسرانی بود که بعد از کودتا ترفیع‌رجه گرفت و سرتیپ شد. نصیری بیش از ۱۳سال ریاست ساواک را برعهده داشت و شاید عجیب نبود که وی بیش از سایر نظامیان با شخص شاه در ارتباط باشد، اما او نیز عقابت خوشی در انتظارش نبود. نصیری که بیش از یک‌دهه تئورسین بر‌خورداهنین و مشت‌آهنین ساواک با مخالفان و معترضان بود جزو اولین مقاماتی بود که برای فروشاندن خشم مردم در انقلاب ایران ابتدا از ریاست سازمان ساواک بر کنار و به‌عنوان سفیر به پاکستان فرستاده شد در شهریور۱۳۵۷ توسط دولت ا‌زهاری با اعزام یک هواپیمای اختصاصی به ایران بازگردانده و بازداشت شد. نعمت‌الله نصیری که در زندان دژبان جمشیدیه به سر می‌برد، سرانجام در روز پنجشنبه ۲۶بهمن ۱۳۵۷ در پشت‌بام مدرسه رفاه در تهران اعدام شد و در بهشت‌زهره به خاک سپرده شد.

اسدالله رشیدیان: اسدالله رشیدیان در شرکت نفت سابقه همکاری با انگلیسی‌ها را داشت؛ رشیدیان و برادرش عامل سرویس جاسوسی انگلیس در ایران بودند که کرملیت روزولت در مذاکرات خود با انگلیسی‌ها از این دو با نام رمز «برادران بوسکو» نام می‌برد، سرویس اطلاعاتی مخفی انگلیس در اوایل دهه ۳۰ ماهله مبلغ ۶۰هزارپوند معادل ۲۸هزاردلار به آنها می‌پرداخت تا اقلاری از ایرانیان در جرگه‌های نیروهای مسلح، مجلس، مطبوعات، باندهای خیابانی، سیاستمداران و سایر چهره‌هایی را که منتقد شمرده می‌شدند، طمع کنند. وی اوایل دهه ۶۰خورشید در اروپا و در غربت با مرگ روبه‌رو شد.

از تشدید خاتم: رشید محمداکبر خاتمی یکی دیگر از همراهان کودتای ۲۸مرداد بود. وی همسر فاطمه پهلوی، خواهر محمدرضا پهلوی بود.وی خلبانی هواپیمایی را که محمدرضا پهلوی با آن در زمان ملی‌شدن صنعت نفت از ایران خارج شد، به‌عهده داشت. این هواپیمای ابتدا به عراق و سپس به ایتالیا رفت. با وقوع کودتای ۲۸مرداد و بازگشت شاه، وی به درجه سرهنگی ارتقا یافت و فرمانده یگان شکاری نیروی هوایی شد. وی در ابتدا از فرماندهان موداعتماد محمدرضاشاه پهلوی بود. وی در ۲۹شهریور۱۳۵۴ ضمن یک پرواز تفریحی با کایت، در منطقه تفریحی دریاچه سد در از توابع شهرستان اندیمش سقوط کرد و جان سپرد. شایعاتی مبنی بر دست‌داشتن خانواده سلطنتی و ساواک در مرگ وی برآکنده شد.

تیمور بختیار: تیمور بختیار پیش اینکه اولین رئیس ساواک باشد فرماندار نطنقی کرمانشاه در زمان وقوع کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ و از عوامل مهم دخیل در کودتا بوده است. وی طی سالیان بعد مدارج نظامی را طی کرد و پس از کودتای ۲۸مرداد، به فرمانداری تهران رسید. بختیار پس از روی کارآمدن منوچهر اقبال، به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و اولین رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) منصوب و دارای قدرت فراوانی شد. در مهرماه۱۳۳۹ که به درجه سپهبدی دست یافت، در تلاش برای احراز مقام بالاتری بود. وقتی شاه از این موضوع مطلع شد، او را در اسفند۱۳۳۹ از کار برکنار کرد. بختیار در اول مهرماه سال ۱۳۴۰ از ارتش بازنشسته شد و در شش‌هپهمن همان سال ایران را ترک کرد. از آن پس بختیار برای واژگونی محمدرضا پهلوی و استقرار جمهوری در ایران، اقدامات وسیعی بی‌ریزی کرد و با تمام مخالفان رژیم همکاری نزدیک داشت، ولی سرانجام در شانزدهم مرداد۴۹ در یکی از شکارگاه‌های بغداد هدف گلوله یکی از ماموران مخفی ساواک قرار گرفت و در ۲۱مرداد مرد.

محمدمتین ففتری: سرتیپ فرمانده گارد گمرک که در روز ۲۸مرداد به دستور دکترمصدق، رئیس شهربانی کل کشور شد. شاید آخرین شخصی بود که مصدق تصور خیانت از سوی وی می‌کرد.وی در حالی حکم ریاست شهربانی کل کشور را از مصدق دریافت کرد که قبلا از سرلشکر زاهدی حکم ریاست شهربانی را گرفته بود و با استفاده از این سمت‌ها، نیروهای انتظامی را علیه دولت مصدق و به سود کودتاچیان بسیج کرده بود. او از خوشنواوندان نزدیک دکترمصدق بود و بعدها مغضوب شاه و ناچار از سمتش عزل و گوشه‌نشین شد.

سر تیپ هدایت‌الله گیلان‌شاهی: وی در ۱۵مهر۱۳۳۷ از سمت خود عزل شد و جای خود را به سپهد خاتم داد.

شعبان جعفری: نمی‌توان از عوامل کودتای۲۸ مرداد نام برد و به نقش شعبان جعفری معروف به «شعبان بی‌مخ» اشاره نکرد. شاید شوخی تاریخ با زندگی او مرگ وی در ۲۸مرداد ۱۳۸۵ در آمریکا بوده در سالگرد روزی که او به لقب تاجبخش رسیده بود، مرگ با او پنجاه‌رنجه شد. نام او یکی از نامه‌ای جنجالی تاریخ معاصر ایران و از بازیگران اصلی کودتای ۲۸مرداد است. وی روز روزهادر و باستانی کار ایرانی بود که بیشتر به‌خاطر حضورش در حرکات سیاسی به‌خصوص در کودتای ۲۸مرداد سال ۱۳۳۲ شهرت یافت. او خود را انسانی مذهبی می‌دانست و از سویی شادودستی وی شهرتی فراگیر داشت. وی یکی از عوامل اصلی هماهنگی میان اراقل و بدنامان تهران در روز ۲۸مرداد و سقوط مصدق بوده است.

		۷	۳		
		۸	۵		
۵					
		۳	۲	۱	۴
۶	۹		۷		۳
		۲	۱	۳	
		۷			۴
		۱	۲		
		۷			

		۵	۷	۴	
		۷	۲	۸	
۴	۶		۱	۹	۸
		۵		۶	۱
۲	۵		۷	۹	۸
		۸		۴	
		۱	۳	۶	
		۶			
		۵		۳	
		۳			
۹	۶		۸	۲	
		۳			۶

سودوکو سخت ۱۰۴۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱– در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲– در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

جدول ۲۰۴۹ سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲	۴	۱	۳	۸	۵	۶	۹	۷
۸	۳	۷	۶	۹	۱	۲	۴	۵
۵	۶	۹	۲	۷	۳	۸	۱	۴
۱	۹	۵	۷	۲	۶	۳	۸	۴
۷	۸	۳	۴	۹	۵	۱	۲	۶
۳	۲	۶	۱	۴	۸	۵	۷	۹
۹	۷	۸	۲	۶	۳	۵	۳	۱
۴	۵	۳	۸	۱	۷	۹	۶	۲
۶	۱	۲	۵	۹	۴	۷	۸	۳

۸	۹	۷	۲	۱	۴	۵	۳	۶
۶	۵	۲	۸	۳	۹	۱	۷	۴
۳	۱	۴	۵	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۳	۸	۵	۷	۶	۲	۹	۴
۴	۶	۳	۷	۸	۲	۹	۵	۱
۹	۷	۵	۶	۱	۴	۸	۲	۷
۲	۳	۹	۱	۷	۶	۸	۴	۵
۷	۴	۶	۵	۲	۸	۳	۱	۹
۵	۸	۱	۹	۴	۳	۶	۲	۷

۲۰۵۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا
د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س
س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج
ی	ش	ن	و	ی	ک	د	س	ی	ش	ن	و	ی	ک	د
ج	ف	د	ر	ا	ی	س	ی	ا	پ	ج	ف	د	ر	ا